

شیرینی مهمانی خدا را بچشیم-۴

پناهیان: مهمانی مهمترین وصف رمضان است؛ از مهمانی چه می‌فهمیم؟

«اگر میزبان بزرگ و والا مقام باشد و مهمانان بسیار کوچک‌تر از او باشند، مهمانی هنگامهٔ فروتنی و تواضع میزبان است. لحظهٔ فرود آمدن میزبان بلندمرتبه در برابر مهمانان، صحنه‌ای به یاد ماندنی و دوست داشتنی است. مهمان بزرگان شدن، بزرگی می‌آورد و حقارت‌ها را از روح انسان بیرون می‌کند. همان احساس حقارتی که مایهٔ همهٔ اسارت‌هاست....»

مهمانی یعنی بیرون آمدن از محیط تکراری و خسته کنندهٔ خانهٔ خود و ورود به سرسرای زیبای ضیافت. مهمانی یک فرصت تفریح و تنوع است و یک مهلت دیدار با یار دلنوازی که مایهٔ تسکین و تحبیب است. صحبت با احباب و مصاحبت با ابرار از فواید با شکوه چنین ضیافتی است.»

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت الاسلام پناهیان که انتشارات «بیان معنوی» چاپ هشتم آن را روانهٔ بازار نشر کرده است، حاوی نکات و نگاهی نو و کاربردی برای بهره‌برداری بهتر از ماه مبارک رمضان است که با بیانی ساده و روان به رشتهٔ تحریر درآمده است. به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان با برگزیده‌ای از این کتاب به استقبال روزها و شب‌های قشنگ ماه مبارک رمضان می‌رویم. بخش چهارم از این گزیده‌ها را در ادامه می‌خوانید:

ضیافت، وصف پیامبر برای ماه رمضان

شاید ضیافت مهم‌ترین وصف رمضان باشد و اگر بخواهیم به تبیین ماهیت رمضان بپردازیم باید از این توصیف آغاز کنیم که مادر همهٔ اوصاف این ماه عزیز است. رمضان یعنی یک ضیافت، یعنی ماه مهمانی خدا. در رمضان ما مهمان خداییم و خدا میزبان ماست. ما که همیشه از بدو خلقت مهمان خدا بوده‌ایم و دائم بر سر خوان نعمت او نشسته‌ایم، باز در رمضان مهمان اویسیم. این مهمانی مضاعف و ویژه چه پیامی برای ما دارد و چه لطافتی را می‌خواهد در تصور ما از رمضان ایجاد نماید؟

اتصاف رمضان به ضیافت یک تعبیر ذوقی نیست که اهل ادب و عرفان آن را وضع کرده باشند. بلکه تعبیری است که شخص نازنین پیامبر اکرم(ص) که آگاه به تمامی حقایق عالمند، آن را برای رمضان به کار گرفته‌اند. و از اولین جملاتی است که در خطبهٔ شعبانیه بیان فرموده‌اند: «هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضَيْافَةِ اللَّهِ؛ شما در این ماه به مهمانی خدا دعوت شده‌اید.»(۱) پس باید به مختصات این تعبیر و توصیف دقت کنیم و از فرصت این تشبیه برای فهیمدن رمضان کمال استفاده را ببریم.

ما از مهمانی چه می‌فهمیم؟

ابتدا باید ببینیم ما از مهمانی چه می‌فهمیم. خصوصاً آنکه اگر مهمانی را در فرهنگ دینی خودمان ترجمه کنیم، چه ویژگی‌هایی را در آن می‌یابیم. حتی باید به دل‌های خود نگاه کنیم و ببینیم وقتی نام مهمانی را می‌شنویم یا به رابطهٔ میزبان و مهمان می‌اندیشیم چه احساسی پیدا می‌کنیم. اینها همان چیزهایی است که پیامبر مهربان خواسته است ما از رمضان ادراک و احساس کنیم.

۱. مهمان را گرامی می‌دارند، حتی اگر کافر باشد

مهمان گرامی است و احترام دارد، حتی اگر کافر باشد. این سفارش پیامبر گرامی ما است که در سخنی فرموده‌اند: «أَكْرِمِ الضَّيْفَ وَ أَوْ كَانَ كَافِرًا؛ مهمان را گرامی بدار، اگرچه کافر باشد.»(۲) بنابراین در مهمانی، بنا بر مهربانی و فراوانی است. میزبان اگر خود کریم و گرامی باشد

برای اکرام مهمان بیش از نگاه به لیاقت مهمان، به معنای مهمانی نگاه می‌کند. و بیش از آنکه مقام مهمان را ببیند و برای خود منزلت مهمان را مایهٔ فخر ببیند، مهمان‌داری را مبنای مباحثات خود می‌یابد. اینکه از ما خواسته‌اند کافران را هم در زمانی که مهمان ما هستند گرامی بداریم، به دلیل ضرورت رعایت حرمت مهمانی است. و حتماً آنان که چنین دستوراتی داده‌اند خود بهتر از هر کسی رعایت می‌کنند.

۲. روابط، تعریف جدید و خاصی پیدا می‌کند

در مهمانی، روابط تعریف جدید و خاصی پیدا می‌کنند: مهمانان با یکدیگر نوعاً در رفاقت به سر می‌برند، و رقابت بر سر منافع، بیشتر به تعادل و تفاهم تبدیل می‌شود، چون از همه پذیرایی به عمل می‌آید و برای بیشتر بهره‌مند شدن باید به میزبان مراجعه کرد، و اگر میزبان دارا باشد جای هیچ‌گونه نگرانی از هر نوع کمبودی نیست.

جدا از اینکه مهمانان در رفاقت با یکدیگر به سر می‌برند، رابطه مهمان و میزبان نیز حالت نوبی می‌یابد: مهمان اگر سوء پیشینه‌ای داشته باشد رفتار میزبان عطف بماسبق نمی‌شود و هیچ‌گاه به‌خاطر خطاهای سابقش، توسط میزبان محاکمه و معاقبه نمی‌شود. همه می‌دانند مهمانی جای این حرف‌ها نیست.

۳. کوچک‌ترها هم شرافت پیدا می‌کنند

جایگاه افراد و مرتبهٔ آدم‌ها در مهمانی تغییر پیدا می‌کند. بی‌آنکه از احترام بزرگان کاسته شود، کوچک‌ترها هم شرافت و رفعت مقام پیدا می‌کنند. همه به هم نزدیک می‌شوند و مهمان با میزبان به هر فاصله‌ای که باشند احساس قربایت می‌کند. اساساً «مهمان»، خود عنوان مستقلی است که به هر کس داده شود محترم می‌شود و در کنار عناوینی مانند برادر، دوست و یا فامیل از کرامت خاصی برخوردار است.

۴. از زحمت مهمان، مضاعف تشکر می‌شود

مهمان اگر در ضیافت زحمتی بکشد تشکری مضاعف دریافت می‌کند و اگر استراحت هم بکند باز از قدرش کم نمی‌شود. در مقابل، میزبان از او چشم‌داشت تقدیر ندارد و در جریان پذیرایی تنها به فکر بهره‌برداری مهمانان است تا برداشت‌های خودش. از لبخند مهمان خرسند می‌شود و مدام از سیرابی و لبریزی او سؤال می‌کند.

۵. انگیزهٔ میزبان برای دعوت، فقط اکرام است

اگر میزبان نیازی به مهمان و مهمانی دادن نداشته باشد و مهمانی در معنا و مقام حقیقی خود تحقق پیدا کرده باشد، انگیزهٔ میزبان برای دعوت و پذیرایی جز اکرام مهمان نخواهد بود؛ و هرچه میزبان بی‌نیازتر باشد، مهمانی، از محبت و کرامت بسیار بالای او بیشتر حکایت می‌کند. اگر کسی بی‌نیاز به مهمان و مهمانی، و صرفاً از سر لطف و مهربانی، ضیافتی برقرار کند، به خلق یک اثر زیبا در عالم پرداخته است. آن‌هم تنها به دلیل زیبایی آن، آن‌چنان که خوبرویان عالم در افسانه‌های عارفانه جلوه‌ای می‌کنند و دل‌ها می‌برند.

۶. مهمانی یک «بزرگ»، لحظات تواضع و فروتنی اوست

اگر میزبان بزرگ و والا مقام باشد و مهمانان بسیار کوچک‌تر از او باشند، مهمانی هنگامهٔ فروتنی و تواضع میزبان است. لحظهٔ فرود آمدن میزبان بلندمرتبه در برابر مهمانان، صحنه‌ای به یاد ماندنی و دوست داشتنی است. مهمان بزرگان شدن، بزرگی می‌آورد و حقارت‌ها را از روح انسان بیرون می‌کند. همان احساس حقارتی که مایهٔ همهٔ اسارت‌هاست.

۷. یک خیال دست نیافتنی

اگر میزبان دوست داشتنی و محبوب دل‌ها باشد، حضور در ضیافت مثل تحقق یک خیال دست نیافتنی است. و اگر مهمان عاشق میزبان باشد به گونه‌ای که حتی ظرف شکسته خود را علامت تمایل معشوق بداند، یقیناً در هنگام پذیرایی معشوق جان می‌سپارد و قالب تهی خواهد کرد. عاشقی که حاضر است بر در خانه معشوق با صبوری بر بی‌اعتنایی‌های او، تمام عمر خود را در اشک و آه سپری کند، حالش چگونه خواهد بود اگر معشوق در بگشاید و او را به خانه راه دهد و در صدر منزل به احترام بنشاند؟

۸. مهمانی محل عبور است و باید قدر آن را دانست

مهمانی محل عبور است و با همه زیبایی‌ها و شیرینی‌هایش معبری است که باید قدر آن را دانست و به قدر کافی در بهره بردن از فرصت کوتاه آن همت داشت. در مهمانی مجال مدهوشی نیست. باید به هوش بود و از آفات آن سود برد و در لحظات آن ملاحظه داشت. البته کم نیستند ضیافت‌هایی که در آن مهمان مقیم خانه میزبان شده و همچون عضوی از خانواده می‌گردد. وقتی مهمانی به منظور خواستگاری باشد و یا به نظربازی و خواستن بینجامد، و توافقی پنهان به تقارن آشکار مبدل گردد، دیگر حال به مقام تبدیل می‌شود و مهمان می‌رود که جزئی از میزبان بشود و شما که نوبت قبل با چنین مهمانی هم‌سفره و هم‌سان بودی، در نوبت بعد او را در کنار میزبان می‌بینی که به‌سان او، از شما پذیرایی می‌کند و به شما خوش‌آمد می‌گوید. بله مهمانی این حرف‌ها را هم دارد. دیگر ما مهمانان از راه رسیده کجا و آن میزبانان جا در خانه خوش کرده کجا.

۹. رفع غربت و فرصتی برای تفریح و تنوع

رفع غربت، برطرف شدن تنهایی و گشایش دلگرفتگی‌ها، از کمترین نتایج یک مهمانی است. مهمانی یعنی بیرون آمدن از محیط تکراری و خسته‌کننده خانه خود و ورود به سرسرای زیبای ضیافت. مهمانی یک فرصت تفریح و تنوع است و یک مهلت دیدار با یار دلتوازی که مایه تسکین و تحبیب است. صحبت با احباب و مصاحبت با ابرار از فواید با شکوه چنین ضیافتی است.

سطوح مهمانی

البته همه اینها بستگی دارد به اینکه چه کسی شما را دعوت کرده باشد، یا شما در چه شرایطی باشید. بسته به عطش شما و عطر میزبان، ناز شما و نوازش میزبان، دلتنگی شما و دلگشائی میزبان، غم شما و غم‌گساری میزبان، عشق شما و عشوه میزبان، مهمانی با مهمانی متفاوت است. پس این به عهده خود شماست که ضیافت رمضان را چگونه ببینید.

پی نوشت:

(۱) عبون اخبار الرضاع، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۸، ح ۵۳. و نیز: مفاتیح الجنان، در فضیلت ماه مبارک رمضان.

(۲) جامع الأخبار، ص ۸۴، باب ۴۰.

